

## Das Athanasische Glaubensbekenntnis

Wer da will selig werden, der muß vor allen Dingen den rechten christlichen Glauben haben. Wer denselben nicht ganz und rein hält, der wird ohne Zweifel ewiglich verloren sein.

Dies ist aber der rechte christliche Glaube, daß wir einen einzigen Gott in drei Personen und drei Personen in einiger Gottheit ehren, und nicht die Personen in einander mengen, noch das göttliche Wesen zertrennen.

Eine andere Person ist der Vater, eine andere der Sohn, eine andere der heilige Geist. Aber Vater und Sohn und heiliger Geist ist ein einiger Gott, gleich in der Herrlichkeit, gleich in ewiger Majestät.

Wie der Vater ist, so ist der Sohn, so ist auch der heilige Geist.

Der Vater ist nicht geschaffen, der Sohn ist nicht geschaffen, der heilige Geist ist nicht geschaffen.

Der Vater ist unermesslich, der Sohn ist unermesslich, der heilige Geist ist unermesslich.

Der Vater ist ewig, der Sohn ist ewig, der heilige Geist ist ewig, und sind doch nicht drei Ewige, sondern es ist ein Ewiger: Gleichwie auch nicht drei Ungeschaffene, noch drei Unermessliche, sondern es ist ein Ungeschaffener und ein Unermeßlicher.

So ist auch der Vater allmächtig, der Sohn ist allmächtig, der heilige Geist ist allmächtig, und sind doch nicht drei Allmächtige, sondern es ist ein Allmächtiger.

So ist der Vater Gott, der Sohn ist Gott, der heilige Geist ist Gott; und sind doch nicht drei Götter, sondern es ist ein Gott.

So ist der Vater der Herr, der Sohn ist der Herr, der heilige Geist ist der Herr; und sind doch nicht drei Herren, sondern es ist ein Herr.

Denn gleichwie wir nach christlicher Wahrheit eine jegliche Person für sich als Gott und Herrn bekennen müssen, so können wir im christlichen Glauben nicht drei Götter oder drei Herren nennen.

Der Vater ist von niemand gemacht: weder geschaffen, noch geboren. Der Sohn ist allein vom Vater: nicht gemacht und nicht geschaffen, sondern geboren. Der heilige Geist ist vom Vater und Sohn, nicht gemacht, nicht geschaffen und nicht geboren, sondern ausgehend.

## اقرار ایمان آتانازیوسی<sup>1</sup>

هرکس که در پی رستگاری است، باید پیش از هر چیز، ایمان مسیحی راستینی داشته باشد. کسی که این ایمان را به تمامی و به پاکی حفظ و حراست نمی کند، بی شک هلاکت ابدی نصیبش خواهد شد. اما ایمان راستین مسیحی این است که ما یک خدای واحد را در سه شخص و سه شخص را در یک الوهیت واحد ستایش کنیم و نه شخص ها را در یکدیگر ادغام کنیم و نه ذات الهی را به اجزاء تقسیم کنیم. یکی از این شخص ها، پدر است؛ دیگری پسر و آن یکی دیگر، روح القدس. اما پدر و پسر و روح القدس، در الوهیت یکسان هستند، یکسان در قوت، یکسان در جلال ابدی. همان گونه که پدر است، پسر نیز همان گونه است و روح القدس هم همان گونه. پدر آفریده نشده است، پسر آفریده نشده است و روح القدس نیز آفریده نشده است. پدر لایتناهی است، پسر لایتناهی است و روح القدس نیز لایتناهی است. پدر جاودانی است، پسر جاودانی است و روح القدس نیز جاودانی است و اینها نه سه جاودان، بلکه تنها یک جاودان هستند. همان گونه که نه سه ناآفریده، نه سه لایتناهی، بلکه یک ناآفریده و یک لایتناهی هستند. به همین نسبت، هم پدر، قادر متعال، هم پسر، قادر متعال و هم روح القدس، قادر متعال است و اینها نه سه قادر متعال، بلکه تنها یک قادر متعال هستند. بر همین اساس است که پدر، خداست، پسر نیز خداست و روح القدس نیز خداست. و اینها نه سه خدا، بلکه تنها یک خدا هستند. همان گونه که پدر خداوندگار است، پسر نیز خداوندگار و روح القدس نیز خداوندگار است. و اینها نه سه خداوندگار، بلکه تنها یک خداوندگار هستند. زیرا به همان صورت که ما براساس حقیقت مسیحی، باید اقرار داریم که هر یک از این سه شخص برای خود، خدا و خداوندگار است، در همین ایمان مسیحی نمی توانیم از سه خدا و یا سه خداوندگار نام ببریم. پدر از سوی هیچکس ساخته نشده است، نه آفریده و نه زاده شده است. پسر، تنها از خداست: نه ساخته و نه آفریده شده، بلکه زاده شده است. روح القدس از پدر و پسر است، نه ساخته

<sup>1</sup> یکی از سه شکل اقرار ایمان در کلیسای غرب که از قرن سیزدهم، اهمیتی تقریباً همطراز با اقرار ایمان رسولی یافته است. مولف آن نامشخص است و بیشتر به آتانازیوس اهل اسکندریه (از سده چهارم) نسبت داده می شود.

شده، نه آفریده شده و نه زاده شده، بلکه صادر شده است.

So ist's nun: Ein Vater, nicht drei Väter; ein Sohn, nicht drei Söhne; ein heiliger Geist, nicht drei heilige Geister.

Und unter diesen drei Personen ist keine die erste, keine die letzte, keine die größte, keine die kleinste, sondern alle drei Personen sind miteinander gleich ewig, gleich groß: damit also, wie oben gesagt ist, drei Personen in einer Gottheit und ein Gott in drei Personen geehrt werde.

Wer nun will selig werden, der muß so von den drei Personen in Gott halten.

Es tut nun aber auch Not zur ewigen Seligkeit, daß man treulich glaubt, daß Jesus Christus, unser Herr, wahrhaftiger Mensch ist.

So ist nun dies der rechte Glaube, so wir glauben und bekennen, daß unser Herr Jesus Christus Gottes Sohn, Gott und Mensch ist: Gott ist er, aus des Vaters Natur vor der Welt geboren, Mensch ist er, aus der Mutter Natur in der Welt geboren. Ein vollkommener Gott, ein vollkommener Mensch mit vernünftiger Seele und menschlichem Leibe; gleich ist er dem Vater der Gottheit nach, geringer als der Vater ist er der Menschheit nach. Und wiewohl er Gott und Mensch ist, so ist er doch nicht zwei, sondern ein Christus; einer, nicht daß die Gottheit in die Menschheit verwandelt sei, sondern daß die Gottheit die Menschheit an sich genommen hat. Ja, einer ist er, nicht daß die zwei Naturen vermengt sind, sondern daß er eine einzige Person ist. Denn gleichwie Leib und Seele ein Mensch ist, so ist Gott und Mensch ein Christus.

Er hat um unserer Seligkeit willen gelitten, ist zur Hölle gefahren, am dritten Tage auferstanden von den Toten, aufgefahren in den Himmel, sitzt zur Rechten Gottes des allmächtigen Vaters, von dort wird er kommen zu richten die Lebendigen und die Toten.

Und zu seinem Kommen müssen alle Menschen auferstehen mit ihren eigenen Leibern, und müssen Rechenschaft geben, was sie getan haben, und welche Gutes getan haben, werden ins ewige Leben gehen; welche aber Böses getan, ins ewige Feuer.

Das ist der rechte christliche Glaube; wer denselben nicht fest und treulich glaubt, der kann nicht selig werden.

پس چنین است: یک پدر و نه سه پدر؛ یک پسر و نه سه پسر، یک روح القدس و نه سه روح القدس وجود دارد. و در میان این سه شخص، هیچ یک نخستین و هیچ یک واپسین نیست؛ هیچ یک بزرگ ترین و هیچ یک کوچک ترین نیست، بلکه هر سه شخص با یکدیگر به شکل یکسان، جاودان و به شکل یکسان بزرگ هستند. به این ترتیب، همان گونه که پیش از این گفته شد، سه شخص در یک الوهیت و یک خدا در سه شخص مورد ستایش قرار می گیرد. اکنون کسی که مایل است رستگار گردد، باید اینچنین به سه شخص در خدا (اندیشه تثلیث) اعتقاد داشته باشد. اما این نیز برای رستگاری جاودان لازم است که انسان وفادارانه ایمان داشته باشد که عیسی مسیح، خداوند ما، انسان راستین است. پس ایمان راستین این است که ما باور داشته باشیم و اقرار کنیم که خداوند ما عیسی مسیح، پسر خدا، خدا و انسان است: او خدایی است از سرشت پدر که پیش از بنیان جهان زاده شده و همچنین انسانی است که هم سرشت با مادر خود در جهان زاده شده است. خدای کامل و انسان کامل با روحی واقعی و جسمی انسانی؛ او در الوهیت، همسان با پدر و در انسانیت کمتر از پدر است. و به همان نسبت که او خدا و انسان است، دو شخص نیست، بلکه یک مسیح است؛ یک شخص نه آن گونه که الوهیت در او به انسانیت بدل شده باشد، بلکه الوهیت، انسانیت را به خود پذیرفته باشد. آری، او یکی است، نه این که این دو سرشت در هم ادغام شده باشند، بلکه به گونه ای که او یک شخص واحد است. زیرا همان گونه که جسم و روح، یک انسان واحد را می سازند، خدا و انسان نیز یک مسیح واحد است. او برای رستگاری ما رنج کشید، مدفون شد، در روز سوم از میان مردگان برخاست، به آسمان رفت، به دست راست خدای پدر قادر مطلق نشسته است و از همانجا برای داوری زندگان و مردگان خواهد آمد. و به هنگام آمدن او، همه انسان ها باید با جسم خود برخیزند، درباره آنچه کرده اند، داوری شوند. آنانی که نیکو کرده اند، به زندگی جاودان نائل خواهند شد؛ اما آنان که دست به شرارت زده اند، به آتش جاودان گرفتار خواهند شد. این همان ایمان راستین مسیحی است؛ هر آن کس که با عزم راسخ و وفادارانه چنین ایمانی نداشته باشد، نمی تواند رستگار گردد.